

در سبک سیاه چشمه ^{ترانه (م) تهران} ماند و لکن گوشت طریقی را می نواخت و با صدای
 گرم و دلپذیر خود آرام آرام بیام ~~خود را~~ ^{ارزشی} ~~ما~~ ^{ما} خواند. این دوست و همبازی دوران
 کودکی و جوانی و دقت روان دیگر ارزشی ^{مرا} ~~مرا~~ ^{نخانی} ~~نخانی~~ ^{از} ~~از ^{خود} ~~خود~~ ^{به} ~~به ^{حلقه} ~~حلقه ^{ما} ~~ما~~ ^{بر} ~~بر ^{دند} ~~دند ^و ~~و ^{نخانی} ~~نخانی~~ ^{ما} ~~ما ^{مانند} ~~مانند~~~~~~~~~~~~~~~~

حلقه - هرگ سبز و تمیز ارزشی نشین که آسان نیای در خان و ملک و
 بنایان شایسته و سرافرازان کن و دقت روان زیبا و مردم بسیار ~~منترنده~~ ^{منترنده} دارد
 ضدین قرآن است در آن خوش زادگاه من - اهوان جاه گرفته است و اضرات
 روزگار به نصف مهال نامیده شده ...
 من در حلقه رفتم رفتم با بوی قوی و قوی و شعر و قوی که می آید با زبان
 ارزشی آشنا شدم و همه آنها را همانند دوست دانستم و این محبت و احترام
 فراوانی نسبت به ~~کلیت~~ ^{کلیت} ~~ارزشی~~ ^{ارزشی} که به هم خود به فرزند ~~مانند~~ ^{مانند} ~~بود~~ ^{بود}
 صفت است ~~ش~~ ^ش ~~مانند~~ ^{مانند} ~~کرد~~ ^{کرد} ~~در~~ ^{در} ~~سر~~ ^{سر} ~~در~~ ^{در} ~~درد~~ ^{درد} ~~من~~ ^{من} ~~حفظ~~ ^{حفظ} ~~ش~~ ^ش

~~د فوارده شد~~
~~و فوارده شد~~
~~و فوارده شد~~
 ۱۹۷۴